

دو کلمه در پاسخ به نوشته "نقد و بررسی ، یا کشیدن خط و نشان"

تقی روزبه

پنجشنبه شانزدهم آبان ۱۳۸۷

آن طور که آقای احسان می گوید* نظرات او فقط نظریک فرد از کمیته پیگیری است و ظاهرا من مبالغه کرده ام. ایکاش چنین باشد که موجب مسرت خواهد بود. البته این نوشته با شعبده باز خواندن من، مدعی شده است که گویا من نظر او را نه به عنوان نظریک فرد، بلکه نظر کمیته پیگیری عنوان کرده ام و نیز به نادرست از اتمام حجت کمیته پیگیری به "شورای همکاری" سخن به میان آورده ام. اما ادعای فوق در حالی صورت می گیرد که من در نوشته خود بصراحت منبع ادعا و قضاوت خود را بر اساس دو نوشته همزمان در سایت سلام دمکرات یعنی سرمقاله و یادداشت آن ذکر کرده ام و برخلاف ادعای تعجب آور ایشان، بهیچوجه مدعی هم نشده بودم که گویا این دو نکته از نوشته ایشان استخراج شده است. علت چنین رویکرد فرافکنانه و بدور از منطق بدیهی و اولیه هر مباحثه و دیالوگ رفیقانه ای (که البته با پرتاب مهمات تفاوت ماهوی دارد) برای من روشن نیست و علاقه ای هم به دانستن آن ندارم. چرا که مطمئنم هر خواننده بی طرفی با خواندن مطالب مربوطه، خود به سهولت قادر خواهد بود حقیقت را دریابد. بهر حال از علت و حکمت نادیده انگاری فوق که بگذریم، این پرسش هم چنان مطرح است که آیا براستی من خبر را جعل کرده ام؟ مروری به بخشی از متن ستون یادداشت با عنوان مجمع عمومی "کمیته پیگیری" و "شورای همکاری که ظاهرا ایشان (نویسنده مطلب) از وجود و مفاد آن مطلقا بیخبرند میتواند بدون حتما نیاز به یک کلمه اضافی، خود پاسخ روشنی به این سؤال بدهد: "«با در نظر گرفتن موارد فوق و با رجوع به تمایلات بسیار قوی موجود در "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" به خط مشی رفرمیستی و همکاری تنگاتنگ با "کانون مدافعان ..." در فعالیت های کارگری، از طرف سخنرانان، پیشنهاد خروج از "شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری" مورد بررسی قرار گرفت. در این ارتباط اکثریت قریب به اتفاق شرکت کنندگان در مجمع عمومی معتقد بودند که اگر "کمیته هماهنگی ..." در مدت زمان تعیین شده ای به اصلاح نظرات و روش کاری خود اقدام نوزد، "کمیته پیگیری... می بایست از چنین ائتلافی خارج گردد. اما بر خلاف نظر برخی از پیشنهاد دهندگان، تنها با اکثریت یک رأی، "خروج فوری" مورد تأیید قرار نگرفت. و مجمع خواستار تعیین ضرب العجلی برای "کمیته هماهنگی ..." برای اصلاح روش کاری و تصریح نظرات شان گشت. در رأی گیری دوم، با اکثریت ۸۰ درصد اعضا، به شورای نمایندگان دوره ی دوازدهم این اختیار داده شد تا در صورت رویت عدم تمایل "کمیته هماهنگی... به اصلاح خود، خروج "کمیته پیگیری... از "شورای همکاری... را عملی و اعلام نماید. همچنین به اعضای "کمیته پیگیری ..." توصیه شد تا در جهت اطلاع رسانی و شفاف سازی نسبت به معضلات موجود در "شورای همکاری..."، در سطح عمومی جنبش، اقدام به طرح مشخص مشکلات و تخلفات "کمیته هماهنگی... در پیشبرد سیاست "اتحاد عمل" کنند.». به نقل از یادداشت سلام دموکرات با عنوان "مجمع عمومی "کمیته پیگیری" و "شورای همکاری."

همانطور که ملاحظه می کنید، در اصل گزارش نقل شده فوق کلمه اتمام حجت و تصمیم به جدائی و ... متأسفانه به

صراحت مطرح شده است. پس در وجود اتمام حجت ابهامی وجود ندارد. مگر آنکه آن که اصل گزارش را خلاف واقع و نادرست بیانگاریم. که در این صورت این سؤال مطرح میشود که خب! اگر این گزارشات نادرست بوده است چرا در طی این مدت خودی و یا کمیته پیگیری آنرا تکذیب نکرده اند؟ البته در نوشته آقای احسان ادعا شده که من بدون اطلاع از کم و کیف قضیه باصطلاح وارد گود شده و خواسته ام خودی و فضلی نشان بدهم. و این در حالی است که من در همان مقاله صراحتا گفته ام که اصلا قصد وارد شدن به چندوچون انتقادات طرفین را نداشته و حتا تلویحا گفته ام که چه بسا درست باشد، ولی از منظر دیگری و از زاویه تلاش برای همبستگی طبقاتی به مساله نگاه کرده ام و گفته آن را نباید چنان عمده کنیم که اشتراکات واقعی را منتفی کند. علاوه بر آن من در مورد افراد صحبت نکرده ام (که در بحث مربوط به فرقه گرائی و ریشه های آن اهمیت ثانوی دارد) بلکه در مورد مبنای همکاری حول مطالبات عینی طبقاتی و مبارزه علیه بورژوازی و دولت حامی آن به مثابه یک شاخصه عینی صحبت کرده ام و سوم آنکه با مبارزه نظری و سیاسی حول اختلافات به شرط مشروط نکردن اصل همکاری به حل و فصل اختلافات نیز موافق بوده ام و بنابراین با اصل مبارزه نظری و سیاسی و نقد برخلاف ادعای نویسنده، بهیچ وجه مخالف نبوده ام و آنرا وجهی از جوه مبارزه طبقاتی میدانم. آنچه که با آن مخالف بوده ام همانا اتمام حجت و خط و نشان کشیدن و تبدیل اختلافات به جدائی ها و دشمنی ها، یعنی آنچه است که نبض فرقه گرائی در انجامی زند. که خوشبختانه آقای احسان اساسا منکر وجود آن شده است. و چهارم من همانطور که مفصلا تأکید کرده ام در مقام در تقابل قرار دادن بخش های گوناگون طبقه و یا نیروها و محافل متعلق به طبقه نبوده و نیستیم. چرا که همواره مساله عمده را تقویت همگرائی و همسوئی بخش ها و تکه های پراکنده متعلق به طبقه کارگر و یا بهتر است بگوئیم کلیه مزدو حقوق بگیران و بیکاران بعنوان بستر اصلی و جریان سازی دانم که البته در راستای وظیفه اصلی کمونیست ها برای تقویت پرولتاریا به مثابه یک طبقه قرار دارد. و از قضا با نکته ای که شما در مورد وجود گرایشات گوناگون در درون کمیته پیگیری مطرح ساخته اید موافق بوده و آن را از نقاط قوت آن می دانم. همچنانکه تلاش های این سایت را نیز علیرغم داشتن اختلاف نظر با برخی مواضع گردانندگان آن مثبت و سازنده می دانم.

سلام دمکرات

۱۵ آبان ۱۳۸۷، بوسیله ی دیاکو

*- این نوشته را که در پاسخ به نوشته من تحت عنوان "فرقه گرائی هم چنان خط و نشان می کشد" می توانید درستون یادداشت هاسایت سلام دمکرات در آدرس زیر ملاحظه کنید: www.salam-democrat.com/spip.php?article18224